

خلاصه

مقاله‌ها

خلاصه مقاله‌های تحلیل متون نظم و نشر، عرفان و تصوف، دستور زبان و زبان فارسی، ترجمه‌های قرآن، انواع ادبی، ادبیات تطبیقی، ادبیات معاصر و نقد کتاب

عنوان مقاله: تجلی انسان آرمانی در آفرین (تحلیلی بر آرزوها در شاهنامه)
نویسنده: مریم شعبانزاده
مآخذ: مجله علوم انسانی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، س ششم،
ش پیاپی ۱۱، (شهریور ۱۳۷۹)، ص ۱۲۱ تا ۱۴۰

توجه به انسان کامل و آرمانی در مکاتب الهی و بشری سابقه‌ای دیرینه دارد. افلاطون، ارسطو، بودا، زرتشت، عیسی (ع) و محمد (ص)؛ فارابی و عارفانی چون مولوی، شمس و متفکرانی چون نیچه و مارکس هرکدام از منظر خود ویژگیهای انسان آرمانی را ترسیم کرده‌اند. برخی از صفات و خصصتهای مشترک در میان عموم مکاتب و آیینها درباره انسان کامل به شرح زیر است:

- انسان کامل از دیگران برتر و والاتر است.
- انسان کامل با دیگران است اما اندیشه و افکارش با همگان تفاوت دارد.
- او فردی است که با اعمال و رفتار خود راهبر دیگران است.
- از خود طبیعی گذشته و با انتخابهای خود به «خود ایده‌آل» رسیده است.
- انسان کامل حتی پس از مرگ الگوست و در حیطه زمان و مکان نمی‌گنجد.

انسان کامل در فرهنگ اسلامی

سیمای انسان کامل در قرآن در مفهوم صالحان، مؤمنان، مخلصان، صادقان، محسنان، نمازگزاران و... ترسیم شده است. آنان کسانی هستند که خدا از ایشان

راضی است و در بهشتی که وعده داده شده است متنعم خواهند بود.

سیمای انسان آرمانی در شاهنامه

اساطیر ایرانی که از خانواده اسطوره‌های آریایی (هندو اروپایی) است، در شاهنامه با استفاده از روح آیین زرتشتی و نیز تعلیمات اسلامی جلوه‌ای تازه می‌یابد و فردوسی در بیشتر داستانهای نقل شده، معنی و مفهومی را که در پس نبرد کیهانی میان نیروهای خیر و شر نهفته است، حفظ می‌کند و آن را به صورت نبرد زمینی میان شاهان خوب و جباران جلوه‌گر می‌سازد.

انسان کامل در شاهنامه به زیور یگانه پرستی، راست کرداری، مناجات، بخشندگی و... آراسته است. بعضی از ویژگیهای انسان کامل در شاهنامه چنین آمده است:

- آزادی از تعلقات، اعتقاد به کیفر الهی، امیدواری به خداوند، بخشندگی، بردباری، خاموشی و کم‌گویی.

- راست کرداری، خدمت به خلق و فریادرسی مظلوم، خردمندی، دادگری، راستی، رایزنی و مشاورت در امور، رضا و خرسندی، شرم و آرم، فروتنی، گفتار نیک، نیکنامی.

آفرین و نفرین یکی از احساسی‌ترین رفتارهای آدمی است که از طریق آن احساسات خود را بر ملا کرده، رضایت و یا ناخرسندی خویش را نسبت به امور بیان می‌دارد و یا علاقه و تنفرش را نسبت به تحقق امری در حال یا آینده می‌نمایاند. در این پژوهش، آفرین در معنای اخص دعا و آرزوی خیر آمده است. آفرین به هنگامی که کسی کاری نیک و خوشایند انجام دهد نثار او می‌شود. طلب خیر برای خود و دیگران همواره براساس معیارهای نیک مورد قبول جامعه صورت می‌پذیرد. مردم آنچه را در ذهن و روانشان به عنوان بهترین برگزیده‌اند، با بیان آرزو بر ملا می‌کنند؛ یعنی در هر روان قالبهایی وجود دارد که ناخودآگاه ولی فعالند. از طریق آرزو فرد می‌خواهد آن ویژگیهایی را که روزی اجدادش در سرنوشتی مینوی داشته است، خود و عزیزانش نیز کسب کنند. از این جهت آرزو، ناخودآگاه فرد را به سوی آینده و کمال رهبری می‌کند. آرزو از این لحاظ نقش حرکت آفرینی و هدایت

کنندگی می‌یابد.

آنجا که آفرین پاداشی برای اعمال خیر نباشد و فرد بخواهد برای خود و عزیزان دعا کند، زندگی خوشایند ولی دوردست آینده را برای خود درخواست می‌کند. آرزوهایی که از زبان قهرمانان شاهنامه می‌تراود در واقع از همان عامل پیش‌بینی متأثر است که طی سالها نبرد و زندگی پرمخاطره در ذهن و ضمیر ایرانیان خانه کرده است و با هر آرزو رخ می‌نماید. ایرانیان با تصاویری که از انسان آرمانی در خاطره خود دارند، هنگام خشنودی احساس کمال جویی خود را ابراز می‌کنند. در آفرینهای شاهنامه ویژگیهایی درخواست شده که مصداق انسان آرمانی و کامل است. آفرین در این مفهوم فرایندی با بُنمایه‌های اسطوره‌ای است که با آرمانها و ایده‌آلها پیوندی استوار دارد و درعین حال واقعی نیز به نظر می‌رسد. زیرا شکل‌گیری آن براساس تصاویر ذهنی لایه بندی شده و تعیین آن نیز در جهان امکانپذیر است. بدین ترتیب آرزو در شاهنامه پلی است که اسطوره را به حال و آینده پیوند می‌دهد. به این ترتیب هم سیمای نیک گذشتگان را به تصویر می‌کشد و هم ویژگیهای مثبت پذیرفته شده آینده را رقم می‌زند. فردوسی نیز متأثر از اعتقاداتی کهن، دعاها و آرزوهای باستانی را با نظامی تازه بر زبان جاری می‌سازد. چهارچوبهای خیر و نیکی که در اندیشه گذشتگان ترسیم شده به صورت معیارهای ارزشی در زمانهای بعد نیز رعایت می‌گردد. هرچه مردم آرزو می‌کنند در محدوده همان چهارچوبها و رسیدن به مرز انسان آرمانی است. فردوسی انسانی آرمانی را در دوباره سازی شخصیت فریدون، کیخسرو، سیاوش، رستم و... نمود عینی می‌بخشد و خصلتهای نیک ایشان برای عزیزان درخواست می‌شود. اینک شواهدی چند از آرزوها ذکر می‌شود: میل به جاودانگی، آرزوی بهره‌مندی از مواهب بهشت، آرزوی شهرت و نیکنامی، آرزوی بخت بلند، آرزوی دادگری، آرزوی سلامت و مرگ بهنگام در بستر، آرزوی دلاوری و شجاعت، آرزوی دوری از بدی، آرزوی دوری از طمع، آرزوی داشتن حیا.

عنوان مقاله : ساختار و ویژگی داستانهای اپیزودیک براساس کلیله و دمنه
نویسنده : فاطمه معین الدینی
مآخذ : نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان
(ادبیات و زبان)، س دوم و سوم، ش ۴ و ۵ (زمستان ۷۷ و بهار
۷۸)، ص ۸۲ تا ۹۲

در این مقاله مهمترین ویژگی ساختاری داستانهایی که تحت تأثیر سنت هند و ایرانی نوشته شده است، بهره‌گیری از داستانهای تو در تو و اپیزودیک شمرده شده و نگارنده پس از بررسی این ویژگی در ساختار کلان و جزئی داستانهای کلیله و دمنه به شیوه‌های پیوند داستانها با هم و شگردهای حفظ انسجام متن در این نوع آثار، تعریف اپیزود، شیوه‌های نقل داستان در داستان، ویژگیهای عمومی داستانهای اپیزودیک و هدفهای استفاده از داستانهای فرعی پرداخته و نشان داده است که داستانهای فرعی با داستان اصلی غالباً رابطه معنایی دارد و می‌توان آنها را در حکم مضاف الیهی برای داستان اصلی به شمار آورد؛ اما گاه این رابطه معنایی نادیده گرفته می‌شود و داستانهای فرعی به یکی از دو شیوه متوالی یا موازی با داستان اصلی ارتباط می‌یابد.

ویژگیهای داستانهای اپیزودیک را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ۱- این نوع داستانها در ساختار کلان خود از حوادث و داستانهای مستقلی تشکیل شده است و با اینکه هر یک از آنها به تنهایی نیز کامل است، ولی رابطه‌ای غیر مستقیم و پنهانی نیز با یکدیگر دارد.
- ۲- می‌توان برخی از اپیزودها را بدون اینکه ساختار کلی داستان دستخوش تغییر بنیادی شود، حذف یا جابه‌جا کرد و یا چیزهایی به هر یک از آنها افزود یا از آنها کم کرد.
- ۳- پس و پیشی اپیزودها در ساختار کلی داستانهای کهن تابع عنصر زمان است و هر یک از اپیزودها در ساختار کلان به اپیزود دیگر پیوسته است.
- ۴- هر یک از اپیزودها به این منظور نوشته می‌شود که پیام داستان را با مثال

شرح دهد و تفسیر کند.

۵- استقلال اپیزودها سبب می‌شود که نویسنده برای ایجاد پیوند بین آنها از شگردهای لفظی و معنوی گوناگونی استفاده کند تا انسجام متن حفظ شود.

۶- با اینکه حذف یا جابه‌جایی اپیزودها تمامیت داستان را از بین نمی‌برد، نمی‌توان این حذف و جابه‌جایی را کاملاً بی‌اثر قلمداد کرد، زیرا هر یک از اپیزودها خواننده را در شناخت خط سیر تفکر حاکم بر داستان و فهم درونمایه آن به گونه‌ای کمک می‌کند.

به طور کلی داستانهای سنتی فارسی را، که به شیوه اپیزودیک ساخته شده است، می‌توان در دو نوع اصلی جای داد:

۱- مجموعه‌ای از قصه‌ها و حکایت‌های نسبتاً مستقل که تنها، وحدت موضوع آنها را به هم پیوند می‌دهد؛ مثل حکایت‌های سعدی در گلستان و بوستان و حکایت‌های کليلة و دمنه در ساختار کلان و ابواب اصلی آن.

۲- داستانی نسبتاً طولانی و به هم پیوسته از اپیزودهای دراز و کوتاهی مرکب است که به ترتیبی خاص، مثلاً ترتیب زمانی یا منطقی به دنبال هم قرار گرفته‌اند.

عنوان مقاله : اصل مرزبان‌نامه و مؤلف آن

نویسنده : دکتر جلیل نظری

مسأخذ : مجله علوم انسانی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، س ششم،

ش پیاپی ۱۱، (شهریور ۱۳۷۹)، ص ۱۷۳ تا ۱۸۰

مرزبان‌نامه اصلی را مرزبان بن رستم بن شروین در نیمه دوم قرن چهارم به زبان پارسی قدیم نگاشته است. اصل آن از بین رفته ولی دو تحریر منشیانه دارد که یکی همان نگارش سعدالدین وراوینی است و تحریر دیگر این کتاب، روضة‌العقول نام دارد که محمد غازی ملطیوی از دبیران دربار سلاجقه روم شرقی آن را به پایان رساند.

قدیمترین کسی که از مرزبان‌نامه و مصنف آن سخن گفته، نوه دختری وی، امیر

کیکاووس نواده قابوس وشمگیر است. او در کتاب قابوسنامه از کتاب مرزبان نامه نام برده است.

بعد از این اثر، معتبرترین منبع در این زمینه تاریخ طبرستان است.

بعد از تاریخ طبرستان، محمد بن غازی الملطیوی در کتاب روضة العقول در این زمینه مطالبی را نوشته، ولی شناسایی دقیقتر مؤلف مرزبان نامه و ذکر درست نام و نسبت پدری او در قابوسنامه عنصرالمعالی آورده شده است؛ یعنی «المرزبان بن رستم بن شروین از آل باوند که جد سیزدهم پدرش کاووس بن قباد، برادر ملک انوشیروان عادل بود. اصل مرزبان نامه به زبان فارسی بوده، ولی ممکن است ابیاتی به لهجه طبری هم در آن متن به کار رفته باشد؛ همان‌گونه که در قابوسنامه هم بیت طبری دیده می‌شود.

عنوان مقاله : جامعه‌شناسی شعر فرخی یزدی

نویسنده : محمدرضا صرفی

مسأخذ : نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان
(ادبیات و زبان) س دوم و سوم، ش ۴ و ۵ (زمستان ۷۷ و بهار

۷۸)، ص ۵۰ تا ۶۹

این مقاله به قصد بررسی اشارات اجتماعی و سیاسی اشعار فرخی در چهار قسمت به شرح زیر تهیه شده است:

۱- زندگی و عصر فرخی: نگارنده پس از معرفی کوتاه زندگی و فعالیت‌های سیاسی اجتماعی فرخی به بررسی عصر وی که با دوره دیکتاتوری سیاه و استبداد کور در ایران مصادف است، پرداخته و آزادگی و شهامت فرخی را در دوران دیکتاتوری نشان داده است.

۲- محتوای اجتماعی و سیاسی اشعار فرخی: در این قسمت، سروده‌های فرخی با در نظر گرفتن اشارات اجتماعی ضمنی، بیان صریح مسائل اجتماعی و اشعار عاشقانه و غنایی موجود در دیوان بررسی شده و ویژگیها و نمونه‌هایی از

شعر فرخی در هر مورد ذکر شده است و با توجه به اینکه شعر غنایی، تصویری شخصی تر از واقعیت را ابلاغ می‌کند، سعی شده کلیدهایی برای راهیابی به اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی شاعر، در این دسته از اشعار به دست داده شود و سرانجام، بار سیاسی و اجتماعی لحن و فضای اندوهبار شعر فرخی با تکیه بر دستور شهرانی وقت مبنی بر ممنوع بودن شعر غم‌انگیز، تحلیل شده و این فضا بیانگر نوعی مبارزه سیاسی با بینش اجتماعی عصر شاعر دانسته شده است.

۳- جامعه‌شناسی شعر فرخی: در این قسمت، شعر فرخی از دو چشم انداز جامعه‌شناسی تکوینی و جامعه‌شناسی موضوعی تحلیل شده، در ضمن بحث از جامعه‌شناسی تکوینی، جهان بینی پنهان اشعار او، با تکیه بر چهار موضوع «نفرت، عشق، تشویق و تمایل» مورد بحث قرار گرفته و نشان داده شده که جهان بینی پنهان اثر او، به آزادیخواهان و متفکران روشن اندیشی مربوط است که مهمترین دغدغه فکری و اجتماعی آنها سربلندی ملت ایران بوده است.

۴- تأثیر شعر فرخی بر جامعه: در این بخش تأثیر اشعار فرخی بر مخاطبان خاص و عام و سهم فرخی در افزایش غرور ملی، سطح آگاهی جامعه، انسجام و هماهنگی احساسات ملی باز نموده شده، و با توجه به شاهکار حقیقی شاعر، یعنی زندگی عاشقانه و شاعرانه او، نفوذ افکار و اندیشه‌هایش در لایه‌های زیرین جامعه و به بارنشستن آنها در روزگار آگاهی و روشن بینی عصر انقلاب اسلامی، که موجب سرنگونی بنای ستمی شد که فرخی در آرزوی انهدام آن سرود جانبازی سر می‌داد، نشان داده شده است.

پرتال جامع علوم انسانی

عنوان مقاله : تشبیه تمثیل در شعر منوچهری

نویسنده : یحیی طالبیان

مآخذ : نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

(ادبیات و زبان) س دوم و سوم، ش ۴ و ۵ (زمستان ۷۷ و بهار

۷۸)، ص ۷۲ تا ۸۰

در سرآغاز این مقاله بر تعاریف تشبیه تمثیل در آثار بلاغی مرور، و چنین نتیجه گیری شده است که این تعاریف براساس طبقه بندی انواع شگردهای شاعران برای بیان تعابیر و مضامین متنوع شاعرانه بوده است. بر همین مبنا هم بیشتر مصادیق تشبیه تمثیل در شعر منوچهری دیده می شود. در شعر او کاربرد هیأت‌های برگرفته از اشیای متعدد و آمیختن و تشبیه آنها به یکدیگر نسبت به دوره گذشته شعر فارسی بیشتر است. نمونه پرآوازه این نوع تشبیه مرکب به مرکب که نویسنده مقاله آنها را در ردیف تشبیه تمثیل آورده، توصیف شب است.

در این مقاله با مقایسه تصویر شب در شعر منوچهری و ناصر خسرو به تفاوت این دو از جهت صوری و معنایی اشاره شده است.

نویسنده مقاله همچنین با ارائه شواهدی نشان داده است که تمثیل طبق تعریف خواجه نصیر (خواجه تمثیل را استدلال نام نهاده است) در شعر منوچهری هم مصادیق دارد و تمثیل که با عنوان اسلوب معادله هم از آن یاد می شود، فقط از خصایص سبک هندی نیست، بلکه در گذشته و از جمله در شعر منوچهری هم دیده می شود.

هنر منوچهری در این تمثیلهای کاربرد آنها در ساختهای نحوی متفاوت و همراهی آنها با آرایه‌های دیگر و آمیختن چندین عنصر رنگارنگ در هیأتی توصیفی / تلفیقی است و همه اینها با به کارگیری الفاظی روان و شیوا و بیانی گویا فراهم آمده است.

عنوان مقاله : ساخت سبکی منشآت خاقانی

نویسنده : دکتر محمد بارانی

مآخذ : مجله علوم انسانی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، س ششم،

ش پیاپی ۱۱، (شهریور ۱۳۷۹)، ص ۴۵ تا ۷۲

منشآت نوعی خاص از نثر ادبی است که از دوره پیش از اسلام در ادب فارسی رایج بوده است. در ایران بعد از اسلام هم از قرن پنجم به بعد در نوشته‌های ادبی به صورتهای منشور، فتح نامه، عهدنامه و اخوانیات و... دیده می‌شود. این نوع ادبی معمولاً یکی از تجلیات نثر فنی بوده و دبیران و نویسندگان فاضل در مکاتبات خود از آن استفاده می‌کرده‌اند. یکی از این منشآت از آن خاقانی است که حاوی نامه‌های او به خویشان، بزرگان و امیران زمانش است.

این نامه‌ها از لحاظ ساخت سبکی، دارای ارکان و ساختار خاصی است که عبارت است از:
الف) ارکان اصلی:

ارکان اصلی به سه گروه تقسیم می‌شود:

- ۱- رکن صدر مکتوب: این رکن اخوانیات در واقع مقدمه نامه بوده که به صورتهای جمله دعایی، شعر، جمله‌های فارسی کوتاه و ترکیبات اضافی بیان شده است.
 - ۲- رکن شرح اشتیاق: این رکن از نظر سبک انشا، زیباترین بخش نامه‌های اخوانی به حساب می‌آید، زیرا در این قسمت، سخن از احساسات و عواطف نویسنده نامه به گیرنده آن است.
 - ۳- پایان کتاب: گاه نامه را با جملات دعایی مختصر عربی و درود بر پیامبر و گاه با جملات دعایی عربی و فارسی و زمانی با جملات فارسی تمام کرده است.
- ب) ارکان فرعی نامه:
- در نامه‌های اخوانی برخی از ارکان فرعی مانند ابلاغ سلام و تحیت و اعلام وصول نامه نوشته شده است.
- از ویژگیهای کلی دیگر منشآت که می‌تواند با همه نثرهای فنی مشترک باشد،

عبارت است از: درج شعر، اقتباس از آیات و احادیث، سجع و توازن، اطناب و ابداع واژگانی.

از ویژگیهای جملات این نثر می‌توان به نکات زیر توجه کرد: توجه نویسندگان به فراوانی کاربرد واژه‌ها و ترکیبات و صنایع بدیعی و آیات و احادیث و غیره... موجب شد که کیفیت ساختی جمله‌ها و چگونگی ارکان جملات به شیوه خاصی درآید؛ از جمله این خصوصیات بافتی به «جمله گسترش یافته» باید اشاره کرد. این جمله‌ها با ورود ارکان فرعی در داخل جمله و نیز قرینه سازی با استعمال ارکان زینتی ساخته شده است. یکی دیگر از ویژگیهای ساختی جملات ذکر شده پیوند پیاپی جمله‌ها به یکدیگر است. تنوع در انتخاب افعال، روابط و اجزای جمله‌ها نیز می‌تواند یکی از ویژگیهای ساخت جملات منشآت خاقانی باشد.

دیگر ویژگیهای سبکی:

- ۱- درصد لغت عربی در این نوشته زیاد است.
 - ۲- استفاده فعل معین «آمدن» برای مجهول ساختن در موردی که ذکر فاعل از لحاظ بلاغی ضروری نیست.
 - ۳- استعمال (ازین) اشاره وصف جنسی است.
 - ۴- جدایی انداختن میان جزء پیشین «همی» با فعل که متضمن نوعی تأکید و استمرار از نظر بلاغی است.
 - ۵- ذکر اصطلاحات علمی
- سرانجام اینکه نثر منشآت خاقانی تمام ویژگیهای نثر فنی را دارد که در زمان خود مورد پسند عصر خویش بوده است.

عنوان مقاله: بررسی اثری منشایانه از قرن ششم

نویسنده: فیروز مردانی

مآخذ: کتاب ماه ادبیات و فلسفه، س چهارم، ش سوم، (دی ماه ۱۳۷۹)،

ص ۳۲ تا ۴۱

عتبه‌الکتبه، مجموعه منشآت مؤیدالدوله (مؤیدالملک) منتجب‌الدین بدیع، منشی سلطان سنجر سلجوقی و رئیس دیوان رسایل اوست. تاریخ تولد و وفات او به طور دقیق روشن نیست به منظور ولی از شواهد معلوم است که در اواخر قرن پنجم می‌زیسته است. وی آموختن صناعت دبیری به دارالملک مرورفته بود. مؤیدالدوله پس از آموختن مقدمات علم دبیری در مرو، به غزنین رفته و در آنجا نزد شرف‌الدین ظهیر بیهقی که از دوستان پدرش بوده، رفته و به پایمردی آن صدر بزرگ توانسته است به درگاه عزالدین راه یابد و دیوان انشای آن درگاه را تصدی کند. مؤیدالدوله معاصر عظاملک جوینی مصنف تاریخ جهانگشا، رشیدالدین وطواط و انوری بوده است. مؤلف، رسایل و مکاتیب خود را به فرمان خواجه نظام‌الملک توسی - آخرین وزیر سلطان سنجر - گردآوری کرد. او علاوه بر عتبه‌الکتبه کتاب دیگری به نام رقیة‌العلم نوشته است که اثری از آن در دست نیست. عتبه‌الکتبه دارای دو بخش است:

* بخش نخست شامل مکاتیب سلطانی و مراسلات رسمی است و بخش دوم اخوانیات که شامل رسایل خصوصی و کوتاهتر از بخش اول است. عتبه دارای معانی مختلفی از جمله: درگاه، آستانه، پله، نردبان، درجه و پایه است. سبک نگارش کتاب نمونه جامع نثر دیوانی و مترسلانه قرن ششم هجری است. این اثر برپایه نثر ابوالمعالی بنا نهاده شده و شیوه نگارش آن مصنوع و مزین و آراسته به سجع، انواع جناس، مراعات نظیر، تضاد، درج، تضمین آیات و احادیث و استفاده از اشعار و مثالهای فارسی و عربی، استعاره، تشبیه، کنایه و سایر ویژگیهای نثر فنی و متکلف است. اطناب، حشو، ترادفات و موازنه و قرینه سازی از اختصاصات برجسته و مهم آن است و تفاوتش با نثر کلیله و دمنه - اثر ابوالمعالی - در زیاد بودن

اسجاع و اطناهایی است که لازم و ملزوم مکاتبات دیوانی است.
این کتاب را علامه محمد قزوینی و استاد عباس اقبال آشتیانی از روی نسخه
کتابخانه ملی مصر تصحیح نموده‌اند و تنها یک چهارم آن را، منشآت که در نسخه‌ای
از لنینگراد آمده، با آن مقابله کرده‌اند و با مقدمه مرحوم قزوینی در مردادماه ۱۳۲۹
خورشیدی به چاپ رسیده است.

عنوان مقاله : شناخت بیشتر ابن یمین در پرتو منابع خارجی

نویسنده : ابوالقاسم رادفر

مآخذ : نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

(ادبیات و زبان) س دوم و سوم، ش ۴ و ۵ (زمستان ۷۷ و بهار

۷۸)، ص ۳۶ تا ۴۷

این مقاله به شیوه سندکاوی و به منظور معرفی مهمترین منابع و مآخذ فارسی و غیر
فارسی درباره ابن یمین فریومدی، قطعه سرای سده هفتم و هشتم ه. نوشته شده
است و قصد دارد زمینه شناخت بهتر آثار و اندیشه‌های او را فراهم سازد. نگارنده
مقاله از میان منابع خارجی باتوجه به میزان اهمیتی که در مطالعات مربوط به ابن
یمین دارند، به اختصار آثار سه تن را بررسی کرده که عبارت است از:

۱- مقاله «ابن یمین فریومدی و ابن یمین شبرغانی» نوشته پرفسور سید امیر
حسن عابدی استاد دانشگاه دهلی که به زبان فارسی در مجله تحقیقات
فارسی «بیاض ۱۹» چاپ شده است.

۲- کتاب «ابن یمین» اثر رادول، که در آن نویسنده به مقایسه ابن یمین و عمر خیام
پرداخته و مقام والای ابن یمین را در سرودن شعر اخلاقی نشان داده و ارتباط او را با
دربار و سریداران بیان کرده است.

۳- سومین اثر «محاكمه قطعات ابن یمین و سعدی مع سوانح ابن یمین»، اثر علی
شبر است که در آن به مقایسه قطعات اخلاقی ابن یمین و سعدی پرداخته و مقام
سعدی را در شعر اخلاقی برتر شمرده است.

از بررسی مقاله پرفسور عابدی چنین برمی آید که تعدادی از اشعار ابن یمین بشرغانی وارد دیوان ابن یمین فریومدی شده که تفکیک آنها به مطالعه و بررسی نیاز دارد و کتاب ابن یمین اثر «رادول» علاوه بر انتخاب و ترجمه صد قطعه ابن یمین به زبان انگلیسی، در پیشگفتار خود به ارزشهای اخلاقی قطعات برگزیده پرداخته و ارتباط ابن یمین را با سربرداران برای اروپاییان روشن کرده و از کتاب سوم یعنی محاکمه قطعات ابن یمین و سعدی، مؤلف این مقاله به این نتیجه رسیده است که بین قطعات این دو شاعر شباهتهای بسیار وجود دارد و البته نظر نویسنده کتاب بر این است که قطعات سعدی نسبت به ابن یمین از استحکام، پختگی اندیشه و فصاحت و بلاغت بیشتری برخوردار است.

عنوان مقاله: آثار ادبی پارسی در روم شرقی تا قرن هفتم

نویسنده: جلیل نظری

مآخذ: کتاب ماه ادبیات و فلسفه، س چهارم، ش سوم، (دی ماه ۱۳۷۹)،

ص ۲۸ تا ۳۳

آسیای صغیر از دوره هخامنشیان، جزو قلمرو ایران بود و بیش از دو قرن از استانهای دولت هخامنشی محسوب می شد. این سرزمین از فرهنگ ایرانی اثر پذیرفته است و در دوره های بعد به جهت همسایگی با ایران، ساکنان این خطه از فرهنگ غنی ایران بهره برده اند. اما رواج زبان فارسی به صورت رسمی از دوره نفوذ ترکان سلجوقی شروع شد. زیرا آنها بتدریج فرهنگ خویش را فراموش کردند و به فرهنگ ایرانی آراسته می شدند. علاقه به فرهنگ ایرانی و ترویج زبان فارسی در میان سلاجقه روم مخصوصاً از دوره حکومت قلیچ ارسلان (۵۵۱-۵۸۸) به بعد، از دوره های قبل هم بیشتر شده، تا جایی که چندین نفر از سلاطین ترک آسیای صغیر، نامهای ایرانی داشتند؛ بنابراین، این سلسله با روحیه ایران دوستی به حیات خویش ادامه می دادند و هر جا که می رفتند، مروج این طرز تفکر بودند تا بالاخره در نیمه دوم قرن ششم، آسیای صغیر یکی از مراکز مهم فرهنگی و ادبی دنیای آن روز

محسوب گردید. یکی از علل عمده گسترش زبان و ادبیات فارسی، مهاجرت انبوه ایرانیان بخصوص ادبا و علما بدان سرزمین بود؛ مانند خاندان مولانا و نجم رازی و غیره و دیگر اینکه ضعف حکومت مرکزی سلاجقه و تعصبات مذهبی و بعداً حمله وحشیانه مغول از جمله عوامل مهم به شمار می آید. به این ترتیب سرزمین روم به عنوان مرکز فرهنگی و ادبی در آن روزگار شد و در نتیجه آثاری در این ناحیه خلق شد که در زیر به تعدادی از این آثار اشاره می شود:

۱- کامل التعبیر: اثری است که به زبان فارسی در آناتولی تألیف شده است. این کتاب خوابنامه‌ای است که به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. مؤلف آن شرف‌الدین ابوالفضل حُبیش (حسین) بن ابراهیم تغلیسی است که برای قلع ارسال تألیف شده است. از آثار فارسی دیگر او می توان از قانون الادب فی ضبط کلمات العرب، ملحمه دانیال، بیان الصناعات و تقویم الادویه نام برد.

۲- مخزن الاسرار: نظامی گنجوی این اثر ارزشمند را به سال (۵۷۰ هـ) برای فخرالدوله بهرامشاه حاکم ارزنجان به نظم کشید.

۳- پرتونامه: رساله‌ای از شهاب‌الدین سهروردی است که به نام ناصرالدین برکیاریق تصنیف کرده است. این کتاب در حکمت نظری یک جهان بینی معنوی است.

۴- مرشد الکتاب: مجموعه‌ای بوده است از مکاتبات مؤلف روضة العقول، در همه زمینه‌ها که آن را قبل از روضة العقول جمع آوری کرده است.

۵- برید السعاده: اثر محمد بن غازی است. این کتاب مجموعه‌ای از احادیث نبوی و سخنان خلفای اربعه و چند مثل عربی است. این مجموعه را در سال «۶۰۶ هـ» شرح و تفصیل، و آن را به کیکاووس بن کیخسرو اهدا کرده است.

۶- مجمع الرباعیات: ابوحنیفه عبدالکریم پیش از سال «۵۸۸ هـ» مجموعه‌ای از رباعیات و قصاید را جمع آوری کرده و آن را به «محمی الدین مسعود» برادر رکن‌الدین سلیمان‌شاه تقدیم کرده است.

۷- مرصاد العباد: تألیف نجم دایه است که به تشویق شیخ شهاب‌الدین سهروردی این کتاب را به علاء‌الدین کیقباد هدیه کرد.

۸- راحة الصدور و آية السور: این کتاب در تاریخ سلاجقه بزرگ است، تألیف

محمد بن علی الراوندی از ابتدای کار این سلسله تا قتل سلطان طغرل بن ارسلان به دست خوارزمشاهیان. این کتاب از نظر ادبی نیز از کتابهای مهم فارسی، و نثر آن به آیات، احادیث، امثال و اشعار فارسی و عربی مزین است.

۹- روضة العقول: این کتاب تحریر دیگری از مرزبان نامه نوشته مرزبان بن رستم شروین است، که آن را محمد بن غازی در سال «۵۹۸ هـ» به نام رکن الدین سلیمان شاه سلجوقی به رشته تحریر درآورده است.

کمی متأخرتر از این عصر بازار تألیف در آسیای صغیر رواج تمام یافت و آثار زیادی در زمینه‌های مختلف به وجود آمد؛ مانند سلجوقنامه قانمی طوسی، کليلة و دمنه منظوم همین شاعر و کتاب او امرالعلایه تألیف ابن بی‌بی، مثنوی مولوی، دیوان شمس و... که به دلیل تأخر از قرن هفتم از ذکر آنها خودداری می‌شود.

عنوان مقاله : غزالی مشهدی و مثنوی نقش بدیع

نویسنده : حسین قربانپور آرایبی

مسأخذ : آینه پژوهش، س یازدهم، ش پنجم، ش پیاپی ۶۵، (آذر-دی

۱۳۷۹)، ص ۳۰ تا ۳۵

مولانا غزالی مشهدی از شاعران عارف پیشه و نامدار قرن دهم هجری است. غزالی فراگرفتن علوم و ادب و نیز ابتدای شاعری خود را در مشهد آغاز کرد و بعد از آن به دربار شاه تهماسب روی آورد و سپس به دلایلی به هندوستان رفت و بیشتر دوران نامبرداری و برخورداری ادبی خود را در آن سرزمین گذراند.

غزالی شاعری عارف پیشه و صوفی منش بود و با اصول تصوف و اصطلاحات آن، آشنایی کامل داشت و مسائل عرفانی را به طور کامل در آثار خود وارد کرده است. مذهب وی تشیع است و عشق به خاندان پیامبر (ص) و امامان شیعه در آثار او و نیز مثنوی نقش بدیع نمایان است.

غزالی آثاری به نظم و نثر دارد. کلیات اشعار و دیوانی از او برجا مانده است که از مطالعه آنها به استحکام و انسجام همراه با روانی کلام و صراحت معنی، همچنین

آمیخته بودن آنها با اندیشه‌های عرفانی پی می‌بریم.

مثنویهای غزالی از جمله «نقش بدیع» در حکمت و عرفان و به پیروی از «مخزن الاسرار» نظامی سروده، و پس از مقدمه‌ای کوتاه به نثر، عناوینی ذکر شده است. غزالی افزون بر وزن و فضای عرفانی، بسیار تحت تأثیر زبان و اندیشه نظامی در مخزن الاسرار است. تقلید و تأثیر پذیری آشکار در ساختار این منظومه، هم در محدوده زبانی و مشترکات لفظی است و هم در مضمون‌پردازی.

عقاید مذهبی شاعر و فرهنگ شیعه در این مثنوی، در شرح جزئیات مسائلی چون معراج، تفاوت آن را با مخزن الاسرار آشکار می‌کند. نیز عرفان حاکم بر این اثر با آن عرفان شرعی نظامی در مخزن الاسرار که تا حدی هم تحت تأثیر عقاید کلامی اشاعره است تفاوت دارد و گاهی به برخی مکاتب خاص عرفانی مثل مکتب جمال‌پرستی نزدیک می‌شود. غزالی در این اثر کمتر به نقل داستان پرداخته و نیز در نقل داستانها کمتر به مخزن الاسرار نظر داشته است. به هر حال این اثر اگرچه در زمره بهترین آثار غزالی است، از نظر شیوه بیان یکدست نیست و تقلید از نظامی در پاره‌ای موارد، باعث کلی‌گویی و ابهام شده؛ اما در بیشتر موارد، سخن او ساده و روان، زیبا و پخته و رساست و این نتیجه بهره‌گرفتن غزالی از ذوق و قریحه خود در سرودن این مثنوی و نیز تدبیر و تصرف قریحه خود اوست.

عنوان مقاله: عبداللطیف خان تنها (شاعر سده‌های یازدهم و دوازدهم)

نویسنده: محمد ناصر

مأخذ: نامه پارسی، سن پنجم، ش چهارم، (زمستان ۷۹)، ص ۱۴۳ تا ۱۵۱

در این نوشتار به معرفی شاعری می‌پردازیم که در قرن یازدهم از ایران به هند مهاجرت کرد و در آن دیار شهرت فراوان به دست آورد و حتی برخی از شاعران نامدار به پیروی او پرداختند.

عبداللطیف خان تنها که در برخی از تذکرها به نام تنها شهرستانی، تنهای اصفهانی و در تذکرها متأخرتر به نام تنها پنجابی نیز یاد شده شاعری است که

در مورد تولد و ابتدای زندگی وی، هیچ اطلاع دقیقی به دست نرسیده است. همه تذکره نویسان اتفاق نظر دارند که او مردی بسیار زاهد و عابد و متورع و پرهیزگار بوده است.

«تنها» در زمانی زندگی می‌کرده که سبک هندی به اوج کمال رسیده، دوران طلایی خود را می‌گذراند و تمام ویژگیهای این سبک را مثل خیالبافی، نازک خیالی، تازه‌گویی و تشبیهات و استعارات در شعر «تنها» می‌توان یافت.

«تنها» دیوان مختصری شامل یک هزار و دویست و بیست بیت شعر دارد. او در سال ۱۱۱۶ ه. ق. / ۱۷۰۴ م. در کشمیر درگذشت.

عنوان مقاله : سرآمد شاعران شیرازی در هند

نویسنده : منصور رستگار فسائی

مآخذ : نامه پارسی، س پنجم، ش چهارم، (زمستان ۷۹)، ص ۵۷ تا ۶۵

از سده دهم هجری به بعد، بسیاری از شاعران و ادیبان شیرازی به دلایل مختلف از قبیل کسب مال و منال، خرد جوئی و علم خواهی به هند رفته‌اند.

عرفی شیرازی مهمترین شاعر شیرازی است که در قرن دهم به هند می‌رود. پس از او نیز در قرنهای بعد شاعرانی چون ادیب شیرازی، امامی شیرازی و... با مشاغل و علایق مختلفی به هند می‌روند. اما در تمام این مدت هیچ شاعر و نویسنده شیرازی به اندازه شادروان علی اصغر حکمت شیرازی، اهمیت روابط فرهنگی و تاریخی هند و ایران را بخوبی درک نکرده و در نثر و نظم خویش بدان نپرداخته است.

این مقاله به معرفی این شخصیت بزرگ شیرازی و سهم او در شناخت فرهنگ هند می‌پردازد. حکمت علاوه بر سفرهای متعددی که به هند کرد، مدت چهار سال سفیر ایران در هندوستان و وزیر مختار این کشور در بانکوک بود. او به هند علاقه فراوان داشت؛ مجذوب تمدن و فرهنگ و تاریخ و هنر هند بود و به همین دلیل بخش عمده‌ای از کارهای تحقیقی وی به هند مربوط می‌شد؛ از جمله مقاله‌ای

نوشته است با عنوان «از همدان تا کشمیر» که به احوال سیدعلی همدانی عارف بزرگ ایرانی در هند پرداخته است.

به علاوه، حکمت تألیفات و ترجمه‌های مستقلی نیز به صورت کتاب دارد که در آنها محور اصلی کلام، هند است؛ از قبیل نقش پارسی بر احجار هند، سرزمین هند، ترجمه کتاب شکنتلا یا خاتم مفقود از کالیداس. قسمت عمده سخن حکمت در دیوان اشعارش نیز، ستایش از هند و محیط و فرهنگ آن است.

عنوان مقاله : مولانا عبدالقادر بیدل دهلوی

نویسنده : خان محمد عامر

مسأخذ : نامه پارسی، س پنجم، ش چهارم، (زمستان ۷۹)، ص ۸۱ تا ۹۷

این مقاله در چند بخش، شامل پیش زمینه شعر بیدل دهلوی، تولد و زندگی بیدل دهلوی، بیدل در نگاه تذکره نویسان، بیدل در نگاه معاصران به بررسی شخصیت بیدل می پردازد.

در بخش اول مطالبی درباره تغییرات ساختاری (به لحاظ تصویر و محتوا) شعر فارسی پس از حافظ و پیدایش مکتب وقوع آمده است. نویسنده در این باره می نویسد شاعران مکتب وقوع و سرایندگان متأثر از ایشان می کوشیدند خیالبندی و دامنه تصویرگری و مضمون یابی را وسعت فزونتری بخشند و عنصر تصویر را به منزله اساسی ترین و اصلی ترین جوهره شعری، بیش از پیش در کار خود منظور دارند.

رویکرد اساسی شعر این دوره، حرکتی است از طبیعت گرایی به سوی انتزاع گرایی، شاعران مکتب وقوع و بعد از آنان شاعران سبک هندی با درک و دریافتی عمیق از تطور تاریخی ذهن و زبان کوشیدند فاصله میان شعر و مسائل و مشکلات اجتماعی را از بین ببرند.

در سبک هندی مفاهیم جدیدی طرح و عرضه شد و تصویرگری بسیار رواج

یافت. شاعران که پیش از آن ارج و قرب بایسته و شایسته‌ای نمی‌یافتند، در دربارهای پادشاهان هند مقام و موقعیت سزاوار به دست آوردند. این امر علت اصلی مهاجرت شاعران ایرانی به سرزمین هند شد.

در بخش دوم نیز مطالبی درباره تاریخ تولد و شرح احوال و کارهای بیدل آمده است. در بخش سوم یعنی بیدل در نگاه تذکره نویسان، گفته شده که تذکره نویسان و تاریخ نویسان بزرگ، بیدل را به عظمت یاد کرده‌اند. نقل قولهایی هم از تذکره‌های مختلف مثل خزانه عامره، منتخب اللطایف، نتایج الافکار و مرآت الخیال و... درباره مقام و شخصیت بیدل شده است.

در بخش پایانی مقاله، بیدل از نگاه معاصران، اظهار نظرهای کسانی مانند شیخ آقابزرگ تهرانی در کتاب الذریعه، دکتر هرامل سدارنگانی در کتاب پارس‌گویان هند و سند، دکتر عزیزاحمد در کتاب تاریخ تفکر اسلامی در هند، علامه اقبال لاهوری، استاد سعید نفیسی در مقدمه‌ای بر کتاب «بیدل چه گفت» و دکتر ذبیح الله صفا نقل شده است.

عنوان مقاله : دیوانی باز یافته از شاعری شناخته

نویسنده : شقیقه یارقین

مسأخذ : نامه پارسی، س پنجم، ش چهارم (زمستان ۷۹)، ص ۹۹ تا ۱۱۲

سخن نویسنده در این مقاله درباره یکی از پسران سلطان حسین میرزا بایقرا، به نام شاه غریب میرزا متخلص به غریبی است که تا به حال فقط نام او همراه با یک یا چند غزل و بیت او نزد پژوهشگران معلوم بوده است. اما اثری از دیوان او که حاوی اشعاری به زبانهای ترکی و فارسی است، وجود نداشت. نویسنده این دیوان را که خود باز یافته به همراه شرح مختصری از احوال شاه غریب میرزا، معرفی کرده است.

از سخنان تذکره نویسان درباره غریبی برمی آید که او دومین پسر سلطان حسین بایقرا بوده و در سنین جوانی در سال ۹۰۲ ه. ق درگذشته است. از او ان خردسالی

شعر را نیکو می‌سروده و هنوز عمری نزیسته دیوان اشعار ترکی و فارسی خود را تدوین و ترتیب کرده است.

نسخه خطی دیوان اشعار غربی که در کتابخانه ملی شهر هامبورگ آلمان به شماره عمومی ۱۵ و شماره خصوصی ۴۰ نگهداری می‌شود ۱۸۸ صفحه دارد و در آن اشعاری از هلالی جغتایی و غربی کتابت شده است.

این دیوان شامل ۳۷ غزل، یک قطعه و یک مخمس فارسی است که مجموعه ابیات فارسی آن ۲۷۸ بیت می‌شود. اشعار ترکی غربی نیز به ۶۰۵ بیت می‌رسد. غربی را می‌توان شاعر غزلسرا و غنایی خواند، زیرا دیوان او در برگزیده یکصد و هجده غزل (فارسی و ترکی) است. این غزلها در حال و هوای عاشقانه سروده شده است.

غربی از جمله شاعرانی است که احساس خود را در قید هیچ نوع تکلفی و مصنوعی در نیاورده است. صمیمیت و صداقت، روانی و شیوایی کلام او نشان‌دهنده این نکته است که شعر او از احساس طبیعی او سرچشمه گرفته و در یک حالت الهامی، همراه با وزن، قافیه و کلمات خود شکل یافته و متولد شده است. صنایع ادبی لفظی و معنوی به طور خود به خودی و طبیعی در شعر او راه پیدا می‌کند. نویسنده مقاله در پایان نوید داده است که متن دیوان فارسی و ترکی غربی با مقدمه‌ای مفصل درباره زندگی و اشعار او به زبان اوزبکی از سوی او تهیه و آماده چاپ شده است و بزودی در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

عنوان مقاله : نوشدارو چیست؟

نویسنده : سجاد آیدانلو

مسأخذ : آموزش زبان و ادب فارسی (مجله رشد)، س پانزدهم، ش ۵۶،

(زمستان ۷۹)، ص ۸۲ تا ۸۷

یکی از کلید واژه‌های بنیادین و اساطیری داستان رستم و سهراب شاهنامه (نوشدارو) است که ترکیبی است آمیخته از دو واژه (نوش) و (دارو) و به معنی

داروی بی مرگی و جاودانگی است. نوشدارو یا «هوم»، در اوستا است که به صورت نوشابه و یا به صورت گیاه است. نوشداروی معالج داستان رستم و سهراب همان هوم درمان بخش دوردارنده مرگ اوستا و عمر جاویدان دهنده آیین مهری است که در اینجا به بررسی ابعاد گوناگون آن می پردازیم:

۱- نوشدارو در داستان رستم و سهراب به صورت نوشابه بوده است، زیرا رستم خواستار آن است که کاووس نوشدارو را به همراه یک جام می برای او بفرستد. البته نوشدارو در داستان زاده شدن رستم، به صورت گیاهی مطرح می شود که خاصیت درمانی دارد.

۲- این داروی بی مرگی در شاهنامه، در گنج خانه کاووس، دومین پادشاه کیانی بوده و همینطور با توجه به بنیاد بندهش در یکی از کاخهای هفتگانه کاووس برفراز کوه البرز چشمه آب نوشی و روانی بود و هرگاه پیری از آن می آشامید، جوان می شد.

۳- در مقایسه آب حیات و نوشدارو می توان گفت که هر دو، دوردارنده مرگ و زندگی بخش هستند اما آب حیات، به غیر از این ویژگی، نیروی زنده کردن مردگان را نیز دارد.

۴- ذکر نوشدارو در داستان رستم و سهراب ژرف ساخت داستانی نمادین دارد و آن از دو دیدگاه قابل بررسی است:

الف) از نظر داستانی که وجود نوشدارو می تواند نشان زنده ماندن سهراب و امکان زندگی دوباره او در هسته اصلی و کهن داستان باشد که در روایت شاهنامه در اثر دگرگونی بنیاد داستان این امکان به ناکامی گراییده است.

ب) گزارش و تحلیل نمادین نوشدارو که نشانه اختیار و فرمانروایی است و آن را حاکمیت نیز می گویند. قدرتی که چون رستمی نیازمند آن است ولی کاووس مانع آن است و کشنده اصلی سهراب می شود.

۵- سرانجام سخن اینکه نوشدارو بجز در شاهنامه در سخن شاعران پارسی سرای دیگر نیز به کار رفته است.

عنوان مقاله : جایگاه عماد فقیه کرمانی در سبک عراقی

نویسنده : دکتر عبدالرضا مدرس زاده

مأخذ : مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، س ششم،

ش پیاپی ۱۱، (شهریور ۱۳۷۹)، ص ۱۴۱ تا ۱۷۲

خواجه عماد فقیه کرمانی از شاعران معروف قرن هشتم هجری است که به عنوان شخصیتی ادبی و عرفانی از حیث دسته بندی جزء شاعرانی است که در طول سبک عراقی میان دو قله بزرگ شعر فارسی یعنی سعدی و حافظ قرار گرفته است. برای اینکه بدانیم جایگاه عماد در دوره سبکی عراقی چگونه است از سه ویژگی یا بخش زبانی، ادبی و فکری کمک می‌گیریم و به شرح هر کدام می‌پردازیم:

۱- ویژگی زبانی :

الف) مختصات آوایی:

ب) مختصات لغوی: هدف عماد از شعر طرح اندیشه والای خویش است و به همین جهت روا نمی‌دارد که از الفاظ دور از ذهن و مهجور استفاده کند. برخی ویژگیهای لغوی سخن عماد چنین است: واژگان در معانی خاص؛ به عنوان مثال احتمال: تحمل (نه تردید). بار: ساحل دریا، عربی به جای فارسی. به جهت اندیشه فقهی و دینی، عماد از واژگان و ترکیبات عربی در اشعارش استفاده می‌کرد. کاربرد واژگان ترکی: به واسطه حضور ترکان سلجوقی و بعد مغولها در ایران مجموعه‌ای از واژگان آن اقوام به زبان و شعر فارسی راه یافت که لامحاله شعر عماد از آن مصون نمانده است.

ج) مختصات دستوری: که از نظر صرفی و نحوی قابل بررسی است.

۲- ویژگیهای ادبی:

قافیه: توجه به قافیه یکی از ضروریات کار عماد است. زیرا او نیز مانند دیگر شاعران سبک عراقی دوست می‌دارد که از همه حروف الفبا بر روی قافیه استفاده کند؛ هر چند که چنین اصراری منجر به از دست رفتن بخش عمده‌ای از لطافت شعر باشد.

ردیف: مهمترین مسأله دربارهٔ ردیف شعر عماد، آوردن ردیفهای اسمی است که شاعران دیگر هم تا مرز تکلف و اعنات، آن را داشته‌اند. اما اسمهایی که عماد به عنوان ردیف شعر به کار گرفته با حال و هوای غزل مرتبط است. هنرورزی شاعرانه شامل آوردن قسم، لغز، تمثیل و تلمیح است. آرایه‌های ادبی: مهمترین آرایه‌های ادبی در دیوان عماد فقیه، موازنه، تکرار واژه، جناس، مراعات نظیر، ایهام، مدح شبیه به ذم، استثنای منقطع و تجاهل العارف است.

ارتباط با شاعران دیگر

عماد از میان شاعران به سعدی علاقهٔ فراوان داشته و با اینکه با حافظ همدوره بوده و از او تضمین هم کرده ولی نامی از خواجه شیراز به میان نیاورده است.

۳- ویژگیهای فکری

مهمترین سرفصلهای اندیشهٔ عماد که بر اندیشهٔ شاعران سبک عراقی مبتنی است عبارت است از:

الف) اندیشهٔ مذهبی: همان‌طور که از عماد (به دلیل داشتن لقب فقیه) انتظار می‌رود فضای شعرش کاملاً مذهبی است و در بیشتر غزلها در وصف معشوقی سخنسرایی می‌کند که جز ذات باری تعالی نمی‌توان کسی دیگر را مصداق آنها دانست. نکتهٔ دیگر اینکه در ستایش حضرت محمد(ص) نیز دو شعر دارد.

ب) ستایش ممدوح: ممدوحان عماد از شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی قرن هشتم هستند که مورد توجه حافظ نیز بوده‌اند.

ج) بیشتر مضمونها در غزل عماد دربارهٔ معشوق، صفات او، حالات عاشق، هجران و آرزوی وصال و مسائلی از این دست است. اما در غزل از دو عنصر با توصیف «معشوق لشگری» و دیگری «معشوق کاروانی» استفاده نکرده است. به همین جهت می‌توان عمده غزل عماد را با تفسیرهای مکتب ادبی «تلفیق» و یا اندیشه‌های والای خراباتی و عرفانی به مسیری کشاند که سرشار از معنویت و لطافت روحنازایی است که همهٔ اهل معرفت به دنبال آن هستند.

د) اندیشه خراباتی و قلندرانه: اساس این اندیشه بر آن است که اگر از حوزه دین